

Study of how the noun phrases are structured and evolve In the poems of Nasrallah Mardany*

Hossein Raeesi

PhD student in Persian language and literature, Yazd University

Dr. Mahammad Reza Najjarian¹

Dr. Mahdi Maleksabet

Professors of Persian language and literature, Yazd University

Abstract

One of the important topics in stylistics and grammar is the recognition of noun phrases in a poem. In order to understand a poet's personal style, along with other factors, the structure and style of the noun phrase used in his poetry must be well evaluated. Among the poets of the revolution, Nasrollah Mardani is one of the few who has done e imagery. Through a descriptive-analytical method, this study seeks to examine the structure of the noun phrases in the poems of Mardani. All the noun phrases are counted and reviewed in three types including pentapartite, quadripartite, and triplex. Also, the number and variety of those phrases are shown in corresponding tables. The findings of the study show that Mardani has used actual and potential Persian language capacities to construct noun phrases. His views have gradually changed over time and, as a result, the number of the noun phrase has declined in his later poems. Placing adjectives at the beginning of noun phrases with extra fraction, making noun phrases without nouns, enlightening against the rules and creating phonetic proportions are the most important anomalies in the construction of the noun phrases in his poems.

Keywords: Noun phrase, Structure of the noun phrase, Language evolution, Deviation, Nasrollah Mardani.

* Date of receiving: 2020/2/12

Date of final accepting: 2020/10/5

1 - email of responsible writer: reza_najjarian@yazd.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۴۹

صفحات ۶۸-۳۵

DOR: [20.1001.1.17359589.1400.22.49.2.4](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1400.22.49.2.4)

بررسی سبک سازه‌های گروه اسمی و سیر تحول آنها در اشعار

نصرالله مردانی*

(مقاله پژوهشی)

حسین رئیسی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

دکتر محمدرضا نجاریان^۱

دکتر مهدی ملک‌ثابت

استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

چکیده

یکی از مباحث مهمی که در بررسی تحول زبان، ارزیابی می‌شود، شناخت «گروه اسمی» است. برای شناخت سبک شخصی شاعران باید در کنار عوامل دیگر، ساختار و سبک گروه‌های اسمی به کار رفته در شعر آنان، به خوبی ارزیابی شود. از آنجا که نصرالله مردانی در بین شعرای انقلاب به ترکیب‌آفرینی‌های تصویری مشهور است، اهمیت پژوهش در این زمینه آشکار می‌شود. این پژوهش به شیوه تحلیلی توصیفی تدوین شده است. برای بررسی ساختار گروه‌های اسمی اشعار مردانی، کلیه گروه‌های اسمی در سه بخش ۵ جزئی، ۴ جزئی و ۳ جزئی به صورت کامل احصا و بررسی گردیده و تعداد و تنوع آنها در جدول‌های مربوط نشان داده شده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مردانی برای ساخت گروه‌های اسمی، از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه زبان فارسی استفاده کرده است. دیدگاه وی به مرور زمان نسبت به ساخت گروه اسمی (ترکیب‌سازی) تغییر یافته و به همین دلیل از شمار گروه‌های اسمی، در اشعار دوره‌های بعدی او کاسته شده است. آوردن صفت

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: reza_najjarian@yazd.ac.ir

بیانی در ابتدای گروه اسمی با کسره اضافه، ساخت گروه اسمی بدون حضور اسم، به کار بردن مُمیّزهای خلاف قاعده و ایجاد تناسب‌های آوایی از مهم‌ترین فراهنجاری‌های مردانی در زمینه ساخت گروه اسمی است.

واژه‌های کلیدی: گروه اسمی، ساختار گروه اسمی، تحول زبانی، هنجارگریزی، نصرالله مردانی.

۱- مقدمه

شناخت «گروه اسمی» یکی از مباحث مهمی است که در بررسی تحول زبان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در زمینه تعریف و مشخصات گروه اسمی، بین دستورنویسان، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از آنها معتقدند که «گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته درست می‌شود که می‌تواند یک یا چند وابسته بگیرد. وجود وابسته اختیاری است» (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۹: ۶۷؛ ر.ک: باطنی، ۱۳۷۲: ۱۳۸). گروهی دیگر، اسم یا آنچه را که در حکم اسم است به تنهایی گروه اسمی به شمار نمی‌آورند و وجود وابسته را به همراه هسته برای تشکیل گروه ضروری می‌دانند (خانلری، ۱۳۷۲: ۲۴۱؛ ارژنگ، ۱۳۸۱: ۲۳؛ فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۳۳۸). انوری و احمدی گیوی از یک جهت با دسته دوم هم‌عقیده‌اند و از جهتی با دسته اول. به اعتقاد آنان، «گروه اسمی به زنجیره‌ای از یک اسم به عنوان هسته با یک یا چند وابسته گفته می‌شود که وجود هسته، برای گروه، اجباری؛ و وجود وابسته‌ها اختیاری است.» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۶: ۱۳۳) مشکوة‌الدینی، معتقد است گروه اسمی «آن واحد نحوی است که از یک یا چند واژه به هم مرتبط پدید می‌آید و هسته آن اسم است.» (مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۴: ۱۴۲) به اعتقاد فرشیدورد علاوه بر وابسته، بدل، تأکید، تفسیر و هم‌پایه نیز جزو گروه اسمی به شمار می‌آیند (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

از مجموع تعاریف فوق، برداشت می‌شود که گروه اسمی، یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واژه به هم مرتبط پدید می‌آید و هسته آن اسم یا جانشین اسم، است. چنین سازه‌ای، با نام «ترکیب» نیز شناخته می‌شود.

یکی از شاعران برجسته در ساخت ترکیبات زیبا و خلاقانه، نصرالله مردانی (۱۳۲۶-۱۳۸۲) است، تا جایی که یکی از مهم‌ترین عوامل شهرت او همین ترکیبات فراوان است. «ترکیبات تصویری و تصاویر گسترش یافته در متن از برجسته‌ترین مشخصه‌های شعری مردانی است» (رحمدل شرفشاهی، ۱۳۸۴، ص ۹۳). از این روی، شناخت انواع گروه‌های اسمی (ترکیب) از نظر ساختار، در شناخت سبک شعر و نوآوری‌های زبانی او بسیار مؤثر است.

در این مقاله، به بررسی سازه‌های گروه‌های اسمی ترکیبی در سه بخش (گروه‌های اسمی ۵ جزئی، ۴ جزئی و ۳ جزئی) در دوره‌های گوناگون شعر مردانی پرداخته‌ایم و سیر تحول آنها را با رسم جدول و به صورت آماری- نشان داده‌ایم. منظور از جزو در این مقاله، واژه مستقل است؛ بنابراین جملات وصفی یا مضاف الیهی، ضمائر شخصی، «ی» نکره و نشانه‌های جمع، جزو اجزای گروه شمارش نشده‌اند. این مقاله درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱) مردانی در ساخت گروه‌های اسمی، بیشتر به چه الگوهایی نظر داشته است؟
- ۲) سیر تحول ساختار گروه‌های اسمی در اشعار مردانی چگونه است، بدین معنی که در گذر زمان، تنوع و تعدد آنها افزایش یافته است یا کاهش؟
- ۳) مردانی در ساخت گروه‌های اسمی چه هنجارگریزی‌ها و آشنایی‌زدایی‌هایی

داشته است؟

۲- پیشینه بحث

هرگاه از شعر مردانی سخن به میان آید، ناخودآگاه ذهن به سمت ترکیب‌سازی و ترکیب‌آفرینی کشیده می‌شود. بسختی می‌توان کتاب، مقاله، پایان‌نامه و نوشته‌ای را یافت که اشعار مردانی را بررسی کرده باشد، ولی به ترکیبات وی -بخصوص از دیدگاه بلاغی و زیبایی‌شناسی- پرداخته باشد.

محمد مهدی‌پور در مقاله «نصرالله مردانی، شاعر حماسه و خون و استاد ترکیب‌آفرینی» (۱۳۸۴) به جمع‌آوری ترکیبات و شواهد لازم در حوزه‌های عناصر حماسی، ترکیب‌آفرینی با واژه خون، ترکیب‌آفرینی در حوزه فرهنگ دینی، سیمای امام خمینی (ره) و عناصر باستانی و اساطیری در شعر مردانی پرداخته، بدون آن که تحلیل خاصی ارائه کرده باشد.

غلامرضا رحمدل شرفشاهی در بخشی از مقاله «معماری خیال در مجموعه آتش نی» (۱۳۸۴) به بررسی ترکیبات و عبارات تشبیهی و ترکیبات و عبارات استعاری در شعر مردانی پرداخته است. زهرا احمدی در پایان‌نامه خود با موضوع «تبارشناسی مبانی ادبیات پایداری در شعر دفاع مقدس (بررسی اشعار علی معلم، نصرالله مردانی و سیدعلی موسوی گرمارودی)» (۱۳۹۵) در ضمن مباحث خود، ترکیب‌سازی و نوآوری‌های مردانی و ابداع ترکیبات و تصاویر بدیع را در شعر او بررسی کرده است. اما نگارنده تا آنجا که پژوهیده، پژوهشی در زمینه گروه‌های اسمی مردانی از دیدگاه زبانی صورت نگرفته است.

۳- چارچوب نظری و بحث

۳-۱- عناصر گروه اسمی

«هسته» مهم‌ترین عنصر گروه اسمی و جزو اجباری آن است. هسته گروه اسمی معمولاً اسم است یا هر چه در حکم اسم باشد. ضمائر و همچنین بسیاری از صفات، با تغییر

مقوله، می‌توانند در جایگاه هسته بنشینند. فرشیدورد و باطنی، معتقدند که هسته گروه اسمی، ممکن است «مصدر» باشد. «یکی از ویژگی‌های مشهود هسته در گروه این است که امکان کاربرد آن، به صورت مستقل نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، در حالی که بقیه عناصر می‌توانند در درون گروه حضور نداشته باشند، وجود هسته لازم است و خود به تنهایی می‌تواند نماینده کل گروه باشد» (علیزاده، ۱۳۸۱: ۲۲۵).

برای تشخیص هسته در گروه اسمی، «اولین اسم دارای کسره اضافه را می‌توان هسته دانست» (سمائی، ۱۳۸۱: ۳۹). باطنی بدون اشاره به نوع مقوله آن معتقد است که «اولین کلمه‌ای که پس از آن، اضافه قرار می‌گیرد، هسته است» (باطنی، ۱۳۷۲: ۱۳۸). در هر صورت، کسره اضافه، مهم‌ترین راه تشخیص هسته است چون «در زبان فارسی همواره بین هسته گروه اسمی و وابسته‌های پسین آن، کسره اضافه قرار می‌گیرد» (لبافان خوش و درزی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

در تعریف وابسته، بین دستورنویسان اختلاف نظر وجود ندارد. «به واژه‌ها و گروه‌هایی که در گروه اسمی به همراه اسم (هسته) ظاهر می‌شوند، وابسته‌های اسم گفته می‌شود. (مشکوٰۃ‌الدینی، ۱۳۸۴: ۱۴۳) فرشیدورد، تعریف فوق را کامل‌تر کرده است. «وابسته، کلمه یا جمله‌واره یا گروهی است که معنی کلمه یا جمله‌واره یا گروه دیگر را که «هسته» نامیده می‌شود کامل کند یا چیزی به معنی هسته بیفزاید، بی آن که با آن هم‌پایه و هم‌سان باشد. (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۵۵) تارویردی‌نسب و همکاران، پس از بررسی اقوال گوناگون در زمینه وابسته‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که وابسته‌های گروه اسمی را با لحاظ نمودن همه دیدگاه‌ها می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱) مقوله‌های واژگانی ۲) مقوله‌های دستوری که خود دو دسته‌اند: الف) نشانه‌های صرفی؛ ب) نقش‌نماها؛ و ۳) بند موصولی (تارویردی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹).

در هر گروه اسمی، ممکن است دو نوع وابسته وجود داشته باشد، پیشین و پسین. باطنی از اصطلاحات «پیشرو» و «پی‌رو» به جای پیشین و پسین استفاده کرده است

(باطنی، ۱۳۷۲: ۱۳۸). در خصوص تعداد وابسته‌ها در هر گروه اسمی نظریات دستورنویسان اندکی با یکدیگر مختلف است. از نظر باطنی «حداکثر چهار وابسته می‌تواند قبل از هسته گروه اسمی قرار گیرد و پنج وابسته بعد از آن» (باطنی، ۱۳۷۲: ۱۳۹). وی جزو اول واژه مرکب را وابسته به حساب آورده است؛ آن دو نفر جوان‌مرد. از نظر وی در این گروه اسمی، تکواژ «مرد» هسته است. مشکوة‌الدینی معتقد است حداکثر سه وابسته می‌تواند پیش از هسته قرار گیرد (۱۳۸۴: ۱۴۳). فرشیدورد نیز با باطنی هم‌عقیده است، هر چند که در نوع وابسته‌ها اختلافاتی بین این دو مشاهده می‌شود. وی چینش وابسته‌های پیشین را به این ترتیب معرفی می‌کند؛ «آن» و «این» در آغاز گروه می‌آید و بعد از آن «هر» و سپس عدد اصلی و آنگاه روشنگر؛ مانند: «آن هر دو جلد کتاب». کلمه‌های اشاری، پیش از «کدام» و «چه» قرار نمی‌گیرند. «کدام» و «فلان» و «چه» و «هر» و «همان» و «همین» پیش از عدد اصلی و روشنگر می‌آیند» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

همان گونه که در مثال «آن هر دو جلد کتاب» مشاهده می‌شود، چهار وابسته یعنی صفت اشاره، صفت مبهم، عدد اصلی و روشنگر، قبل از هسته گروه (کتاب) قرار گرفته‌اند.

دستورنویسان در زمینه وابسته‌های پسین در گروه اسمی، اتفاق نظر ندارند. صحرایی در مقاله خود به نظر برخی از دستورنویسان در این زمینه اشاره کرده است. «اغلب دستوریان، وابسته‌های پسین اسم را شامل صفت، اسم / گروه اسمی و بند می‌دانند (شریعت، ۱۳۶۴؛ مشکور، ۱۳۴۱؛ باطنی، ۱۳۴۸ و شفاهی، ۱۳۶۴). برخی دیگر نیز علاوه بر موارد فوق، ضمیر و «ی» نکره را نیز جزو وابسته‌های پسین اسم می‌دانند. (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۶۷؛ باطنی، ۱۳۴۸؛ خیامپور، ۱۳۷۲؛ شریعت، ۱۳۶۴؛ صادقی و ارژنگ، ۱۳۵۸؛ غلامعلی‌زاده، ۱۳۷۴؛ مشکور، ۱۳۴۹؛ قریب و دیگران (پنج استاد)، ۱۳۶۳؛ مشکوة‌الدینی، ۱۳۶۶)» (صحرایی، ۱۳۸۹: ۱۳۳) فرشیدورد نه وابسته پسین (با

کسره اضافه و بدون کسره اضافه) برمی‌شمارد. «بیشتر صفات بیانی، صفات عددی ترتیبی با پسوند «م»، مضاف الیه‌های پسین، بعضی از شبه مضاف الیه‌ها، شبه بدل (شاخص) پسین، جمله‌واره وصفی، جمله‌واره مضاف‌الیهی، جمله‌واره بدلی، صفات حصری پایانی» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

مهدی سمائی، تعداد وابسته‌های پسین را شش می‌داند؛ صفت بیانی، «ی» نکره، مضاف الیه، بدل، گروه حرف اضافه و جمله ربطی» (سمائی، ۱۳۸۱: ۳۴).

یکی از مسائل مهم در خصوص وابسته‌های پیشین و پسین، بحث هم‌نشینی است. فرشیدورد ترتیب قرارگفتن وابسته‌های پسین را چنین برمی‌شمارد: «۱- صفت، ۲- مضاف‌الیه، ۳- شبه مضاف الیه، ۴- جمله وصفی یا مضاف الیهی؛ مانند «کوشش پیگیر مردم برای استقلال که به وسیله آزادبخوانان رهبری می‌شد» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۳۸). از نظر سمائی، «وابسته‌های پسین به خلاف وابسته‌های پیشین محدودیت‌های هم‌نشینی ندارند و می‌توان هر شش وابسته را هم‌زمان پس از هسته قرار داد (سمائی، ۱۳۸۱: ۴۰). وی ترتیب هم‌نشینی گروه با شش وابسته پسین را چنین برمی‌شمارد: صفت (فرش زیبا)، «ی» نکره (فرشی زیبا)، مضاف‌الیه (خیابان شهر)، گروه حرف اضافه (کتاب سودمند علی درباره علوم)، بدل (نماینده اول او در مدرسه، آقای رضایی)، جمله ربطی (نماینده اول او در مدرسه، آقای رضایی، که سخنرانی کرد). (همان: ۴۰).

۳-۲- معرفی نصرالله مردانی

نصرالله مردانی (۱۳۸۲-۱۳۲۶) در میان شاعران انقلاب و جنگ، از مردان شناخته‌شده و نامی است. وی در سال ۱۳۲۶ در کازرون به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلات خود را در همان‌جا به پایان برد، ولی بعداً به دلیل دارا بودن مسئولیت‌های فرهنگی، بسیاری از اوقات خود را در تهران می‌گذراند.

وی از آغاز دفاع مقدس «در بسیاری از سفرهای شاعران به منظور شعرخوانی در نقاط مختلف جبهه شرکت داشت و در شب‌های شعر دفاع مقدس و مقاومت در همایش‌های سراسری شعر دفاع مقدس حضوری فعال داشته است» (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۰۱۵). وی در زمره شاعرانی است که شعرهایش در بیشتر روزنامه‌ها، مجلات، مجموعه‌ها و جنگ‌های ادبی، انتشار یافته است. وی همچنین، سرپرستی انجمن ادبی شاعران انقلاب اسلامی شیراز را برعهده داشته است.

رویکرد مردانی به شعر به سال ۱۳۳۷ باز می‌گردد. «تتبع در دواوین شاعران و هنرمندان زبردست این مرز و بوم، زمینه‌ساز طبع شاعرانه او گردید» (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۲۸۱). همزمان با دفاع مقدس، در قالب غزل، اشعار حماسی سرود که حاصل آن «خون‌نامه خاک» کتاب برگزیده سال ۶۴ است. دفترهای «الماس آب»، «قیام نور»، «آتش نی»، «قانون عشق»، «سمند صاعقه»، «چشمه شفا»، «گل باغ آشنایی»، «چهارده نور ازلی» و «مست برخاستگان» از دیگر آثار او هستند. اشعار او به صورت یکجا، در مجموعه‌ای به نام «عشق می‌گوید...» گردآمده که مبنای این پژوهش قرار گرفته است.

مهم‌ترین شهرت مردانی در غزل‌های حماسی، ساخت ترکیبات تصویری در شعر است به گونه‌ای که «در ترکیب‌آفرینی‌های تصویری در بین شعرای انقلاب اگر بی‌نظیر نباشد، کم‌نظیر است» (کافی، ۱۳۸۱: ۳۷). وی «با حادثه‌آفرینی‌های زبانی و تصویرسازی‌های شاعرانه، تحوّل در شعر انقلاب ایجاد کرد و با خلق اشعاری سرشار از تصاویر بکر و شگفت‌آور و بمباران تصویری ذهن مخاطب، خالق طرزی تازه در شعر دفاع مقدس شد و شاعران بسیاری را به دنبال خود کشاند؛ به طوری که سایه ترکیبات و تصویرهای خاص او را می‌توان در شعر دیگر شاعران این حوزه مشاهده کرد» (صدقی و عظیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۸۹).

۳-۳-۳- ترکیبات (گروه‌های اسمی) پنج جزئی

مردانی از ۲۶ نوع گروه اسمی متفاوت ۵ جزئی در اشعار خویش استفاده کرده است. ویژگی‌های این گروه‌ها عبارتند از:

۳-۳-۱- غلبه اسم بر صفت در ساختمان گروه‌های اسمی (۱۳۴ اسم در برابر ۷۹ صفت).

۳-۳-۲- استفاده بیشتر از صفات اشاره این و آن، نسبت به وابسته‌های پیشین دیگر. وی ۱۸ بار از صفات اشاره، ۸ بار از صفات شمارشی، ۲ بار از صفات مبهم و یک بار از صفت پرسشی استفاده کرده است.

۳-۳-۳- بسامد بیشتر استفاده از وابسته‌های پیشین در دفترهای «قیام نور» (۹ مورد) و «چشمه شفا» (۸ مورد). بسامد کاربرد در دفترهای دیگر عبارت است از: خون‌نامه خاک، ۴ مورد، آتش نی و قانون عشق، هر کدام ۳ مورد و دفتر الماس آب، ۲ مورد.

۳-۳-۴- استفاده از دو وابسته پیشین در ساختمان برخی از گروه‌ها؛ مانند آن پگاه نخستین رستخیز کلام، آن روح تابناک کدامین ستاره، درفش این همه سیاره‌های سرگردان، سنگینی بار هر دو عالم، گریه آن دو یار دیرین، دو شاخ خونی این غول، و ...

ز گرد راه سواری رسید با هیبت
دو شاخ خونی این غول در غبار شکست
(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۸)

۳-۳-۵- تنوع صفات بیانی، هم از حیث نوع و هم از حیث ساختار، در ساختمان گروه‌های اسمی.

جنگجویان دلاور، پشتازان دلیر
آرشان فاتح این خاک پهناور، به پیش
(همان: ۳۶۰)

۳-۳-۶- تنوع ساختمان گروه‌های اسمی. مردانی از بیست و شش نوع گروه اسمی متفاوت استفاده کرده است. یک گروه اسمی (اسم + صفت بیانی + وابسته پیشین + اسم + صفت بیانی) در پنج دفتر، سه گروه (۲، ۳ و ۴) در سه دفتر و سه گروه (۵، ۶ و ۷) نیز در دو دفتر تکرار شده‌اند. گروه‌های اسمی دیگر یک بار در اشعار وی به کار رفته‌اند. بیشترین تنوع گروه اسمی در اولین اشعار او (دفتر الماس آب) و پس از آن، در دومین دفتر (قیام نور) دیده می‌شود.

۳-۳-۸- تعداد اندک ترکیبات ساخته‌شده با پنج اسم و کاهش آن در گذر زمان. دفتر الماس آب، ۱۲ گروه، دفتر قیام نور، ۱۰ گروه، دفتر آتش نی، ۶ گروه، دفتر قانون عشق، ۴ گروه و دفتر چشمه شفا، ۷ گروه.

۳-۳-۹- پیچیده‌تر شدن ساختمان گروه‌های اسمی در گذر زمان. پیچیدگی ساختمان گروه‌ها در اشعار دوره‌های پختگی وی نیز مهم و جالب توجه است. در اشعار اولیه وی، این ویژگی دیده نمی‌شود. این موضوع، نشان‌دهنده تسلط مردانی در شناخت ویژگی‌ها و کاربرد واژه‌ها و ساخت گروه‌های اسمی متنوع است. وی واژه‌ها را از مقوله‌های مختلف، از جمله حرف اضافه، در کنار یکدیگر می‌نشاند و گروه‌های بدیع و زیبا می‌آفریند.

شاید به شیب دره این جنگل سترگ
ما سایه‌ای ز شاخه یک بید درهم ایم
(همان: ۹۹)

به گوش هوش، شنیدیم نغمه افلاک
صدای زخمی تاریخ خسته در چاه ایم
(همان: ۱۱۶)

در جدول شماره ۱ نمای کلی تعداد گروه‌های اسمی ۵ جزئی به تفکیک دفترهای شعر، مشاهده می‌شود. تغییر نگاه مردانی به ساخت ترکیب، در این جدول به خوبی آشکار است. وی رفته‌رفته خود را از قید و بند گروه‌های اسمی طولانی رها می‌کند.

بررسی سبک سازه‌های گروه اسمی و سیر تحوّل آنها در اشعار نصرالله مردانی ۴۵

جدول شماره ۱- نمای تعداد و توزیع گروه‌های اسمی ۵ جزئی

چشمه شفا	قانون عشق	آتش نی	خون‌نامه خاک	قیام نور	الماس آب	نمونه الگوی گروه‌های اسمی	
۱	۱		۱	۱	۱	گلبانگ آسمانی آن روح سرمدی	۱
		۱	۱		۲	کام تشنه صحرای آب‌یاب کویر	۲
			۱	۱	۱	صفای خوشه‌های تاک باران خورده صبح	۳
		۱		۱	۱	بوی شعر شاعران شهر گل	۴
		۱			۳	صدای ریزش مرطوب آبشار افق	۵
		۱		۱		قهرمان راستین قصه‌های شهر عشق	۶
۱			۱			درفش این همه سیاره‌های سرگردان	۷
					۱	عمق جلگه خاموش بی‌کرانه شب	۸
					۱	اساطیر همیشه باشکوه شاعر طوس	۹
					۱	وسعت روشن این آبی بی‌پایان	۱۰
				۲		این هوای نفس‌گیر لحظه پرواز	۱۱
				۱		آن روح تابناک کدامین ستاره	۱۲
				۱		سکوت سنگی مردان این دیار	۱۳
				۱		قامت این شب پروحشت شیون	۱۴
						در افسانه‌ای قلعه شیطان بزرگ	۱۵
					۱	زلزال چشمه جوشان شعر ناب	۱۶
			۱			همان صاحب کاخ شعر بلند	۱۷
		۱				آن پگاه نخستین رستخیز کلام	۱۸
		۱				آن رهبر بیدار دل اعلم اسلام	۱۹
	۱					پای پیری این شیر بیشه	۲۰
	۱					بیکر صد چاک دل عاشق	۲۱
	۱					صدای زخمی تاریخ خسته در چاه	۲۲

۱						۲۳ سنگینی بار هر دو عالم
۱						۲۴ شیب دره این جنگل سترگ
۱						۲۵ یگانه فاتح اقلیم ملک دلها
۱						۲۶ سایه‌ای ز شاخه یک بید درهم

۳-۴- گروه‌های اسمی چهار جزئی

مردانی ۳۳ گونه ترکیب (گروه اسمی) ۴ جزئی متفاوت به کار برده است. ترکیب اسم + صفت بیانی + اسم + اسم، بیشتر از ترکیبات دیگر در شعر وی کاربرد دارد.

به چشم خسته ما خواب سنگ می‌گذرد حدیث کهنه تاریخ ننگ می‌گذرد
(مردانی، ۱۳۸۸: ۴۸۷)

ترکیب اسم + اسم + صفت بیانی + اسم در جایگاه دوم قرار دارد.
کتاب قصه شیرین عشق بگشایید که من ز تیره فرهاد قصه پردازم
(همان: ۳۴۶)

و تابع اضافات (اسم + اسم + اسم + اسم) جایگاه سوم را دارد.
تو چون عروس پری‌های روستای خیال کنار ساحل مهتابی اهورایی
(همان: ۲۸۶)

بررسی مجموع آن‌ها ویژگی‌های زیر را نشان می‌دهد:

۳-۴-۱- استفاده از صفت‌های اشاری (آن و این) و اعداد اصلی بیشتر از وابسته‌های پیشین دیگر. صفات اشاره، ۲۵ مورد، صفات شمارشی، ۱۷ مورد، عالی و مبهم، هر کدام دو مورد. در بین وابسته‌های پیشین، یک مورد صفت عالی «هیچ‌ترین» آمده که جذابیت خاصی دارد. از یک سو صفت مبهم است و از سوی دیگر، صفت عالی است.

ما هیچ‌ترین حباب این دریاییم افسانه‌ای از گذشته و فرداییم
(همان: ۲۷۶)

جاری‌ترین قصیده جاوید خون سرود آن سومین ستاره بی‌سر، خدای خون
(همان: ۵۱۴)

۳-۴-۲- وجود «مميز» (تمییز / روشنگر) در ساختار گروه‌های اسمی. «گاهی بعد از عدد (= صفت شمارشی) و قبل از معدود اصلی (= موصوف) کلماتی می‌آورند که بر مقدار یا شاخص وجودی هر چیزی دلالت می‌کند. دست‌نویسان این حالت را چنین تعبیر می‌کنند که بعد از عدد را معدود کلی و پس از آن را تمییز یا حالت تمییزی می‌گویند» (شریعت، ۱۳۷۲: ۲۹۱-۲۹۲). گروه‌های اسمی زیبایی با استفاده از عدد و ممیز (روشنگر) پدید آمده‌اند؛ مانند یک کهکشان ستاره میخک، صد کهکشان ستاره آتش‌گرفته، صد دشت شقایق ز خون‌جوشیده، یک آسمان ستاره نورانی و ...

یک کهکشان ستاره میخک شکفته است در آسمان سبزه به اطراف ماه گل
(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۶)

۳-۴-۳- کاربرد صفت صفت؛ «انتهای آبی باز افق‌ها»، «باز» صفت «آبی» و آبی صفت «انتهای» است.

در انتهای آبی باز افق‌ها خورشید سنگین و صبور کهکشانی
(همان: ۴۶۱)

۳-۴-۴- آغاز گروه اسمی با صفت بیانی؛ مانند «بسیط جنگل زرین نور» و «بسیط جنگل انبوه مه» (هر دو از دفتر الماس آب).

ای بسیط جنگل انبوه مه ای نوای نای باران‌های سبزه
(همان: ۳۱۹)

۳-۴-۵- ساخت گروه با استفاده از حرف اضافه و یا پیشوند. این ویژگی در اشعار دوره‌های اولیه مردانی (دفترهای الماس آب و قیام نور) دیده نمی‌شود و با گذشت زمان، بر تعداد آنها افزوده می‌شود.

گروه‌های مزبور عبارتند از: مسافرانِ سفرکرده در سراب کویر، بوی شیخ عاشق از دد ملول، صد دشت شقایق ز خون‌جوشیده (دفتر خون‌نامه خاک)، تن‌پاره‌ای از باغ تن گمشدگان (دفتر آتش نی)، غروب گمشده در سایه‌های کوتاه، شهر در بسته از دست بیداد، بالنده‌تر از بال بلندای خیال، طلوع مشرقی آفتاب در ماه، غبار آینه‌های شکسته در آه و هول غربت غوغاییان در فردا (دفتر قانون عشق).

صد دشت شقایق ز خون‌جوشیده با داغ سه خورشید، ز داغ تو شکفت
(همان: ۴۳۳)

جدول شماره ۲- نمای تعداد و توزیع گروه‌های اسمی ۴ جزئی

تعداد	چشمه	قانون	آتش	خون	قیام	الماس	نمونه گروه‌های اسمی ۴ جزئی
۳۸	۱	۴	۸	۴	۱۳	۸	عطر خوش گلشن سجاده
۳۵	۲		۴	۱۰	۱۲	۷	بزم دختر خنیاگر فلک
۳۳		۱	۷	۶	۹	۱۰	افق چشمهای هاجر گل
۲۰	۳		۵	۴	۳	۵	گریز سایه سیاره‌های سرگردان
۱۳		۱	۳	۵	۵	۴	صدای زخمی تاریخ خسته
۱۱		۴	۲	۳	۲		افق‌های آن شب جاری
۷		۱	۱	۲	۲	۱	پیکر صد چاک لاله
۶	۱		۱	۱	۱	۲	انقلاب تابناک سرخ عشق
۶		۱	۱	۲	۲		جاری‌ترین قصیده جاوید خون
۵				۲	۳		آخرین ستاره خونین خاکی
۴			۱	۲	۱		آن سوی افق‌های روان
۴			۱	۲	۱		صد کهکشان ستاره آتش گرفته
۴			۲			۲	آن سوی مرزهای خیال
۲						۲	بسیط جنگل زرین نور
۲			۲				هیچ‌ترین حباب این دریا
۲			۱			۱	یک سبد ترانه تنهایی

بررسی سبک سازه‌های گروه اسمی و سیر تحوّل آنها در اشعار نصرالله مردانی ۴۹

۲		۱			۱		پای این هفت آسمان	۱۸
۲		۱		۱			آن رسول همیشه نورانی	۱۹
۲				۲			ملک عدم‌سرای این هیجستان	۲۰
۲	۱	۱					نتیجه لبخند یک دم	۲۱
۲		۱	۱				لب این جاری بی‌انتهای	۲۲
۲		۲					شیدایی بس عشق آشناک	۲۳
۱					۱		انتهای آبی باز افرها	۲۴
۱		۱					آن سومین ستاره بی‌سر	۲۵
۱			۱				قله همیشه رفیع شجاعت	۲۶
۱					۱		زخم عمیق و کهنه رزم‌آوران خلق	۲۷
۱					۱		تن‌پاره‌ای از باغ تن‌گمشدگان	۲۸
۱					۱		شهر در بسته از دست بیداد	۲۹
۱					۱		غبار آینه‌های شکسته در آه	۳۰
۱			۱				بوی شیخ عاشق از دد ملول	۳۱
۱		۱					غروب گمشده در سایه‌های کوتاه	۳۲
۱		۱					طلوع مشرقی آفتاب در ماه	۳۳

۳-۵- گروه‌های اسمی سه جزئی

در این بخش، تنوع و بسامد وابسته‌های پیشین، جالب توجه است؛ دفتر الماس آب (عدد ۵، عالی ۴)، دفتر قیام نور (عدد ۸، اشاره ۷، عالی ۱، پرسشی ۱)، دفتر خون‌نامه خاک (عدد ۱۱، عالی ۶، اشاره ۴، پرسشی ۱) دفتر آتش نی (عدد ۸، اشاره ۶)، دفتر قانون عشق (اشاره ۸، عدد ۷، عالی ۳) و چشمه شفا (اشاره ۴، عدد ۳، مبهم ۲). بسامد وابسته‌های

پیشین، در اشعار مردانی چنین است؛ عدد ۴۲ بار، اشاره ۳۲ بار، عالی ۱۴ بار، پرسشی و مبهم هر کدام دو بار.

داده‌های جدول نشان می‌دهد:

۳-۵-۱- گروه اسمی شماره ۱ (اسم + صفت بیانی + اسم) با اختلاف فراوان، بیشترین بسامد را در شعر مردانی دارد؛ هفت گروه اسمی در همه دفترها وجود دارند و هجده گروه اسمی فقط یک بار در اشعار مردانی به کار رفته‌اند.

۳-۵-۲- دفتر الماس آب، به نسبت تعداد ابیات، بیشترین تنوع و تعدد گروه‌های اسمی سه جزئی را دارد و به تدریج از تعداد آنها کاسته می‌شود.

۳-۵-۳- افزایش آغاز گروه‌های اسمی با صفات بیانی در مقایسه با گروه‌های قبلی. هجده گروه با اسم، نه گروه با صفت بیانی و هفت گروه با یکی از وابسته‌های پیشین آغاز شده‌اند.

طلوع خنده رنگین‌کمانی بلند بی‌کران آسمانی

(همان: ۳۲۵)

به بی‌کرانه صد آسمان گشاید پر پرنده‌های نگاه تو در غبار افق

(همان: ۲۸۲)

در جاری اندیشه‌های جاودانی بر پای انسان در زمین زنجیر می‌شد

(همان: ۱۳۲)

۳-۵-۴- تنوع در وابسته‌های پیشین؛ اعداد، ۳۶ مورد، صفات اشاره، ۳۱ مورد، صفات عالی، ۱۴ مورد، صفات پرسشی و مبهم، هر کدام ۲ مورد.

چه باشکوه ز آفاق عشق می‌آیی! به شب‌ترین شب یلدا گل شهاب‌منی

(همان: ۲۸۴)

بررسی سبک سازه‌های گروه اسمی و سیر تحوّل آنها در اشعار نصرالله مردانی ۵۱

گل گلوله شکافد اگر دهان تو خواند سپاه خون تو خونین‌ترین قصیده خونین
(همان: ۵۰۹)

۳-۵-۵- کاربرد قید همیشه به جای همیشگی به جای اسم؛ فاتح همیشه تاریخ، اسطوره همیشه والایی و ...

بر اوج قله‌های غزل، حافظ اسطوره همیشه والایی است
(همان: ۲۸۸)

۳-۵-۶- ساخت گروه اسمی بدون اسم؛ طغیانگر خودسر نخستین، بیدارترین خفته ناخفته‌ترین و ...

من که بیدارترین خفته ناخفته‌ترینم از نسیم نفس سبز تو بشکفته‌ترینم
(همان: ۳۴۵)

جدول شماره ۳- نمای تعداد و توزیع گروه‌های اسمی ۳ جزئی

تعداد	چشمه	قانون	آتش	خون‌نامه	قیام	الماس	نمونه‌گروه‌های اسمی ۳ جزئی
۴۱۷	۸	۳۶	۳۰	۱۰۷	۱۵۶	۸۰	۱ پرچین گل‌چین چشم
۲۶۰	۴	۱۹	۳۲	۶۸	۷۶	۶۱	۲ شراب خوشه‌های آفتاب
۸۷	۲	۱۱	۹	۱۴	۳۱	۲۰	۳ کاروان لحظه‌های سبز
۳۴	۲	۵	۵	۱۱	۹	۲	۴ هزار بغض کهن
۲۷	۳	۶	۴	۷	۴	۳	۵ گویاترین ترانه شیدایی
۱۷	۳	۲	۵	۲	۴	۱	۶ دیار کدامین ستاره
۱۶	۲	۲	۱	۵	۳	۳	۷ زلال خون زمین
۱۶		۳	۱	۴	۴	۴	۸ سرچشمه زلال محال

۵۲ فصلنامه علمی کاوش‌نامه، سال بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۴۹

۹				۱	۳	۵	خورشید گل‌آواز و صبور سحر	۹
۵		۲	۲			۱	بلند بی‌کران آسمان	۱۰
۶			۱		۲	۳	مهتاب پریده در سیاهی	۱۱
۴		۱	۲			۱	صد دهان فریاد	۱۲
۴			۳	۱			سینه مرغان در قفس	۱۳
۲					۲		غریق خسته غرقاب	۱۴
۲			۱		۱		دنیایی از اندیشه‌های پاک	۱۵
۲		۲					جاری اندیشه‌های جاودانی	۱۶
۲	۱	۱					جام در غبار فرورفته غم	۱۷
۲					۲		سنگفرش کوچه آشوب و ازدحام	۱۸
۱						۱	بی‌کرانه صد آسمان	۱۹
۱				۱			این هزاره خونین	۲۰
۱					۱		فاتح همیشه تاریخ	۲۱
۲				۱		۱	گل همیشه بهار	۲۲
۱					۱		سنگر ایمان به خون آذین	۲۳
۱			۱				آن آخرین نگاه	۲۴
۱		۱					بیدارترین خفته ناخفته- ترین	۲۵
۱		۱					خسته از گردش آسمان	۲۶
۱		۱					شهر دریای درخود پریشان	۲۷
۱		۱					فریاد بلند با تو بودن	۲۸
۱	۱						طغیانگر خودسر نخستین	۲۹

۱	۱						پیدای در فردای من	۳۰
۱						۱	شکوه بهاران خرم و رنگین	۳۱
۱						۱	لبریز از بوی درخت	۳۲
۱						۱	شب‌ترین شب یلدا	۳۳

۳-۶- مهم‌ترین ویژگی‌های گروه‌های اسمی مردانی

پس از بررسی گروه‌های اسمی در اشعار مردانی، می‌توان ویژگی‌های زیر را در آنها یافت:

۳-۶-۱- استفاده از صفات متعدد در گروه‌های اسمی. مردانی برای ایجاد جذابیت در ترکیبات خویش و همچنین قابل فهم بودن آنها، از انواع صفت‌های بیانی و وابسته‌های پیشین، استفاده کرده است.

۳-۶-۱-۱- گروه اسمی با چهار صفت:

مرز بی‌حدّ خدایی و نگنجی در وهم وسعت روشن این آبی بی‌پایانی
(همان: ۲۷۸)

۳-۶-۱-۲- گروه اسمی با سه صفت:

ما راز سربه‌مهر یک آغاز مبهم‌ایم یعنی در این سراجّه بازیچه، آدمیم
(همان: ۹۹)

۳-۶-۲- آغاز گروه اسمی با صفت بیانی. ۳۳ گروه اسمی در اشعار مردانی با صفات بیانی (زلال، بسیط، بلند، غریق، جاری، بی‌کرانه، پیدا و ...) به عنوان هسته، آغاز شده‌اند.

تو جاودانه‌ترین قصه کتاب منی زلال چشمه جوشان شعر ناب منی
(همان: ۲۸۳)

۳-۶-۳- استفاده دوگانه از وابسته‌های پیشین. در چنین صورتی، وابسته پیشین، مضاف‌الیه هسته و وابسته پیشین اسم بعد است.

درفش این همه سیاره‌های سرگردان که دید صبح ازل دست غیب، چون می‌کاشت
(همان: ۳۹۰)

آن روح تابناک کدامین ستاره بود؟ روشن نمود ظلمت ما در دیار مرگ؟
(همان: ۴۹۴)

۳-۶-۴- ساخت مصراع‌هایی طولانی با استفاده از یک گروه اسمی. در مجموعه‌های اولیه، بخصوص دفتر الماس آب، اشعاری وجود دارد که اغلب قریب به اتفاق مصراعها یک ترکیب است؛ «باغ آب» (هفت بیت)، «رؤیای سبز» (هفت بیت)، «بهاره» (شش بیت)، «عطر یاد» (ده بیت)، «اقلیم وجود» (هشت بیت) و «باده لبخند» (هجده بیت).

به عمق جلگه خاموش بی‌کرانه شب طلوع خوشه رنگین ماهتاب منی
(همان: ۲۳۸)

این ویژگی، با گذشت زمان، کمرنگ می‌شود و در آخرین سروده‌های وی (دفتر چشمه شفا)، به ندرت به چشم می‌خورد.

۳-۶-۵- آوردن قید صفت در گروه اسمی؛ گل همیشه بهار، آن مرد همیشه قهرمان، قله همیشه رفیع شجاعت، اساطیر همیشه باشکوه شاعر طوسی و ...

اساطیر همیشه باشکوه شاعر طوسی سکوت سایه سیمرخ در افسانه مایی
(همان: ۳۰۷)

۳-۷- بررسی درصد تنوع و تعدد گروه‌های اسمی

بیشترین درصد تنوع ترکیبات، به اولین دفتر شعر مردانی یعنی «الماس آب» اختصاص دارد و دفتر «خوننامه خاک» کمترین درصد تنوع گروه‌های اسمی را داراست. اولین

اشعار او از نظر درصد ترکیبات سه و پنج جزئی، نسبت به رتبه بعدی، اختلاف فاحشی دارند.

در اوج هیجانات سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی، مردانی ترجیح داده کمتر به تنوع در ترکیبات خویش بپردازد؛ در نتیجه اشعار دفتر «خون‌نامه خاک» از نظر درصد تنوع ترکیبات (سه، چهار و پنج جزئی) در پایین‌ترین رتبه قرار دارد. به تدریج با فاصله‌گرفتن از التهابات زمان انقلاب و سال‌های آغازین دفاع مقدس، دوباره به ترکیبات طولانی روی می‌آورد. اشعار دفتر «چشمه شفا» هم از حیث محتوا و هم از حیث زبان، با اشعار پیشین، تفاوت آشکاری دارند؛ حال و هوای مذهبی اشعار دوباره به شاعر، مجال داده‌اند تا به ترکیبات طولانی روی آورد.

جدول شماره ۵- درصد تنوع گروه‌های اسمی

کتاب	سه جزئی	چهار جزئی	پنج جزئی	مجموع
الماس آب	۷/۴	۴/۵	۳/۷	۱۵/۶
قیام نور	۳/۴۱	۴/۱	۲	۹/۵
خون‌نامه خاک	۲/۷	۲/۹	۱/۱	۶/۷
آتش نی	۵/۴	۷	۲/۳	۱۴/۷
قانون عشق	۶	۵/۷	۱/۵	۱۳/۲
چشمه شفا	۱۶	۹/۶	۹/۶	۳۵/۲

از نظر درصد تعدد گروه‌های اسمی، نیز دفتر «الماس آب»، با اختلاف بسیار در رتبه نخست قرار دارد. نکته قابل توجه در این زمینه، این است که درصد تعدد گروه‌های اسمی، به استثنای چشمه شفا، روند کاهشی دارد، به گونه‌ای که دفتر قانون عشق در مجموع، در پایین‌ترین رتبه قرار دارد.

مردانی متوجه این نکته شده که پی‌آوری واژه‌های متعدد و قرار دادن آنها در یک ترکیب، برای شاعر، دشوار و برای خواننده ملال‌آور است. افراط در ساخت ترکیبات

طولانی، شاعر را از هدف اصلی خویش که التذاذ ادبی و برانگیزاندن احساسات و عواطف خواننده است، باز می‌دارد، چون که خواننده در پیچ و تاب درک و دریافت ارتباط بین واژه‌ها گرفتار می‌شود و نمی‌تواند با شاعر همراه شود.

گروهی که با جابجایی واژه‌هایی ناهمگون، معدود و مشخص و ایجاد ترکیباتی ناساز و غیر قابل درک، خلق شود، به دلیل عدم ارتباط با خواننده، بلافاصله پس از تولد، می‌میرد. راز مانایی بسیاری از اشعار دوره‌های پایانی حیات مردانی در همین نکته مهم و اساسی نهفته است. دفتر «قانون عشق» از بسیاری جهات زبانی، از جمله کاهش ترکیبات طولانی، کامل‌تر از اشعار دیگر است.

جدول شماره ۶- درصد تعدد گروه‌های اسمی

کتاب	سه جزئی	چهار جزئی	پنج جزئی	مجموع
الماس آب	۷۸	۱۸	۴/۹	۱۰۰/۹
قیام نور	۶۸	۱۳	۲/۲	۸۳/۲
خون‌نامه خاک	۵۰	۹/۴	۱/۱	۶۰/۵
آتش نی	۳۷	۱۶	۲/۳	۵۵/۳
قانون عشق	۳۵	۸/۳	۱/۵	۴۴/۸
چشمه شفا	۴۳	۱۴/۵	۹/۶	۶۷/۱

۳-۸- هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی در ساخت گروه‌های اسمی

شاعر، ناگزیر است برای آفرینش شعر از ظرفیت‌های خلاف معمول زبان، استفاده کند، چون که تفاوت شعر و نثر در چگونگی استفاده از زبان است. زبان شعر را نمی‌توان در قاعده‌های قالبی و کلیشه‌ای جای داد چون که «شعر قاعده‌های قالبی را می‌شکند، زبان را «ویران» می‌کند، عادت ما را در نگرش به جهان، هستی و خویش، و از این رهگذر،

خود را با ما عوض می‌کند ... سوبه دگرگون‌کننده شعر همان «آشنایی زدایی» است» (احمدی، ۱۳۸۸: ۷۲) که صورت‌گرایان، بر آن، تأکید دارند. «از نظر صورت‌گرایان، کار هنرمند آشنایی زدایی است و زدودن «غبار عادت»» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۲) از نظر شکلوپسکی «هدف اثر هنری دگرگون کردن شیوه ادراک خودکار و عملی ما به شیوه‌ای هنری است. (سلدن و ویدوسون، ۱۳۸۴: ۴۹)

جفری لیچ (Geoffrey Leech)، زبان‌شناس انگلیسی، آشنایی زدایی را نتیجه توازن یا قاعده‌افزایی (افزودن قواعدی بر اصول و قوانین زبان معیار) و فراهنجاری (گریز از اصول و قوانین حاکم بر زبان معیار) می‌داند (قربان‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۹). وی هنجارگریزی را به هشت دسته اصلی تقسیم کرده است: واژگانی، نحوی، معنایی، آوایی، زمانی، سبکی، گویشی و نوشتاری (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۰-۴۳). منظور لیچ از هنجارگریزی نحوی، برهم زدن آرایش قواعد زبان و تغییر در ساختار نحوی زبان است. برهم زدن ساختار گروه اسمی، جزو هنجارگریزی نحوی و تناسب‌های آوایی در ترکیبات مردانی جزو قاعده‌افزایی است.

مردانی با جابجایی برخی از اجزای گروه اسمی و یا تغییر در ساختارهای معمول آن، آگاهانه از زبان خودکار خارج می‌شود؛ هنجارهای آن را به سویی می‌نهد و دست به آشنایی زدایی و برجسته‌سازی می‌زند. وی می‌کوشد که از این طریق، تا حدودی به سبک و زبان ویژه خود دست یابد. «زبان هر شاعر در نتیجه دخالت آگاهانه او در هنجارهای عادی زبان به وجود می‌آید و در این رویارویی، اندیشه شاعر، تعیین‌کننده سطح و عمق دخل و تصرف شاعر در قراردادهای زبانی است» (علی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

۳-۸-۱- آوردن صفت بیانی در ابتدای گروه اسمی با کسره اضافه

بر اساس ساختار شناخته‌شده گروه اسمی در زبان فارسی، کسره اضافه پس از هسته می‌آید و از سوی دیگر، صفت بیانی جزو وابسته‌هاست و نمی‌تواند در جایگاه هسته بنشیند، مگر این که تغییر مقوله دهد. فرشیدورد، برخی از صفات بیانی را جزو

وابسته‌های گردان دانسته است. به نظر وی، «بعضی از صفت‌های بیانی از قبیل «یگانه» و «مختصر» و «بد» و «خوب» گردان است، مثال: یگانه‌مرد روزگار، مختصرکاری، بدمردی، خوب‌آدمی». (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۳۱) اما صفات به‌کاررفته در اشعار مردانی، هسته گروه اسمی نیستند و اغلب آن‌ها در اصل صفت مقلوب برای اسم پس از خود هستند که با کسره اضافه همراه شده‌اند.

مردانی با برهم‌زدن ساختار و جابجایی صفت با اسم، زبان خویش را برجسته کرده است. صفات بیانی «زلال»، «بسیط»، «آبی»، «جاری»، «بلند» و ... در ابتدای برخی از گروه‌ها آمده‌اند و در همه این موارد، با کسره اضافه همراه هستند؛ «زلال چشمه جوشان شعر ناب»، «زلال باده اندیشه»، «زلال چشمه نور»، «بسیط جنگل انبوه مه» و «آبی پیدا و ناپیدای چشم» (دفتر الماس آب)، «زلال چشمه جان» (دفتر چشمه شفا)، «دوباره میلاد سرخ‌دم» (دفتر خون‌نامه خاک) و «جاری کلام تو»، «جاری اندیشه‌های جاودانی»، «این جاری بی‌انتهای» (دفتر قانون عشق).

مردانی در گروه اسمی «بلند بی‌کران آسمان» پا را از این هم فراتر گذاشته و دو صفت بیانی را با کسره اضافه قبل از هسته آورده است.

۳-۸-۲- ساخت گروه اسمی بدون حضور اسم

هسته‌ها در گروه‌های اسمی «بیدارترین خفته‌ناخته‌ترین»، «آن خوب نایاب» و «آن دلاور ایرانی» به ترتیب، صفت‌های بیانی «خفته» «خوب» و «دلاور» هستند.

به جان صمیمیت و سادگی‌ها من آن خوب نایاب را دوست دارم
(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰)

در گروه اسمی «بیدارترین خفته‌ناخته‌ترین»، صفت عالی «ناخته‌ترین» که جزو وابسته‌های پیشین است، پس از هسته و به عنوان وابسته پسین آمده است.

من که بیدارترین خفته‌ناخته‌ترینم از نسیم نفس سبز تو بشکفته‌ترینم
(همان: ۱۳۴)

مردانی علاوه بر این مورد در غزل «شعاع شدن» چندین بار صفت عالی را به عنوان وابستهٔ پسین به کار برده است؛ قصهٔ ناگفته‌ترین، آتش بنهفته‌ترین و گوهر ناسفته‌ترین. (همان: ۱۳۴) که به شاعرانگی زبان وی کمک شایانی کرده است.

۳-۸-۳- به کار بردن ممیزهای خلاف قاعده

استفاده از ممیزهای خلاف قاعده، یادآور سبک شاعران سبک هندی است. «چیزی که در سبک هندی اساس و محور بیان قرار می‌گیرد تنوع بیش از حد این نوع استعمال است، آن هم در مواردی که گاه یکی از دو عامل بعد از عدد امری انتزاعی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۴۶). گروه‌های اسمی زیبایی با استفاده از عدد و ممیز (روشنگر) پدید آمده‌اند؛ مانند یک کهکشان ستارهٔ میخک و یک آسمان ستارهٔ نورانی (دفتر قیام نور). صد کهکشان ستارهٔ آتش گرفته، صد دشت شقایق ز خون جوشیده (دفتر خون‌نامهٔ خاک)، صد هزاران کهکشان خورشید، صد دهان فریاد و صد قافله سیارهٔ نو (دفتر آتش نی) صد بغل گل و یک سبد ترانهٔ تنهایی (دفتر قانون عشق).

۳-۸-۴- تناسب‌های آوایی

یکی دیگر از ویژگی‌های گروه‌های اسمی مردانی، برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی از راه ایجاد تناسب‌های آوایی و واج‌آرایی بین سازه‌های گروه اسمی است. «واج‌آرایی در ترکیب‌های شعری مردانی از اضافه‌کردن دو کلمهٔ متجانس یا مسجّع به هم حاصل می‌شود؛ مانند خوان خون، زخم زخمه، روز رزم و خاک پاک و یا از تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها در اجزای ترکیب؛ مانند شورش خورشید، هجای فاجعه، نعرهٔ نور و بانوی باوقار» (صدقی و عظیم‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۲-۱۹۳).

این شگرد به حدی مورد علاقهٔ مردانی است که «خضر راه او موسیقی کلمات و الفاظ است؛ بدین سان که کلمهٔ اولی، خودبه‌خود کلمات دیگر را که با او هماهنگی دارند، برای او احضار می‌کند ... او بیش از آن که معنی کلمه را ببیند، موسیقی آن را می‌شنود. این مسأله را براحتی می‌توان در ترکیب‌ها یافت.

کلمات تشکیل‌دهنده ترکیب‌ها اکثراً با هم هماهنگی دارند؛ مثلاً با یک حرف شروع می‌شوند و یا از یکدیگر مشتق می‌شوند یا حداقل یک یا دو حرف در آنها مشترک است» (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۱۶۵). تکرار صامت و مصوت در طول ابیات و مصارع، به صورت پراکنده، کاربرد فراوانی دارد، ولی مردانی با تکرار آگاهانه و زیبایی‌آفرین آنها در ساختار گروه اسمی (ترکیب)، بر موسیقی سخن خویش افزوده است.

بر اساس نظر کورش صفوی، توازن واجی از این نظر که دارای ارزش موسیقایی باشد، به هفت گروه، قابل تقسیم است (ر. ک صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۹). مردانی در ساختار گروه‌های اسمی خویش، از شش نوع آنها، به جز تکرار هم‌خوانی کامل، استفاده کرده است.

۳-۸-۴-۱- تکرار هم‌خوان آغازین

یافتن واژه‌هایی که با یک صامت آغاز شوند و بتوانند بار معنایی کلام را حفظ کنند، کار ساده‌ای نیست. این نوع تکرار آوا در اشعار مردانی، بیشترین بسامد را دارد، به گونه‌ای که به ندرت به گروه اسمی برمی‌خوریم که چنین تکراری در آن وجود نداشته باشد.

نمونه‌هایی از تکرار هم‌خوان آغازین عبارتند از: صدای سمّ سمند سپیده، گریز سایه سیاره‌های سرگردان، شوق شکفتن شب یلدا، بالنده‌تر از بال بلندای خیال، شهد شیرین شهادت، طنین طبل طوفان، خشم خلق خروشان، تنگنای تنگه کیهانی، شهر پرخروش شهادت، بانگ تندر تکبیر، غریق خسته غرقاب، صخره‌های سرخ ایثار، بام بلند شک، طلسم خزان خاک و ...

در کنار خوان آتش، روزه‌داران، نوش باد شهد شیرین شهادت گر بود افطارتان

(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۰)

صدای سمّ سمند سپیده می‌آید یلی که سینه ظلمت‌دریده می‌آید

(همان: ۳۸۶)

۳-۸-۴-۲- تکرار واکه‌ای

تکرار مصوت‌ها نیز علاوه بر کمک به القای معنا در افزایش موسیقی سخن بسیار مؤثر هستند. در شعر مردانی، این نوع تکرار نیز نمونه‌های فراوان و زیبایی دارد؛ بالنده‌تر از بال بلندای خیال، صفای خوشه‌های تاک باران‌خورده صبح، مویه‌های نهان‌سوز عود آتش‌نی، پای پیری این شیر بیشه، شکوه کوکب شب‌سوز روز و ...

من آن تیر آتش‌پر آرشم که در هر کمان کژی راستم
(همان: ۱۲۲)

نگاه تشنه‌ام آب‌شخور غزالان شد به پای پیری این شیر بیشه گریه کنید
(همان: ۱۲۳)

۳-۸-۴-۳- تکرار هم‌خوان پایانی

اهمیت این نوع تکرار، در افزایش موسیقی شعر، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که نقش آن را در قافیه‌بندی شعر فارسی، ارزیابی کنیم. تکرار هم‌خوان‌های پایانی در گروه‌های اسمی زیر، از نظر موسیقی حائز اهمیت است؛ حدیث کهنه تاریخ تلخ، حدیث کهنه تاریخ تلخ، واژه‌های بکر شعر، بهار سرزمین بی‌نشان، رود نیلگون شب‌آذین، آواز زلال روز، رزمگاه مهیب غروب، قیام قدیم خون، حصار شعله‌زار کینه‌ها، بانگ تندر تکبیر و ...

ای کلامت واژه‌های بکر شعر ای لبت گل‌غنچه سرخ شراب
(همان: ۳۱۵)

۳-۸-۴-۴- تکرار واکه و هم‌خوان آغازین

از نظر ارزش موسیقایی، همین بس که «برخی از گونه‌های سجع متوازن در این مقوله جای می‌گیرد» (ر.ک صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۵). بسامد فراوان این نوع تکرار آوایی در اشعار مردانی، نشان می‌دهد که وی به تأثیر موسیقایی آن، آگاهی داشته است؛ صدای ضجه زنجیریان قلعه زجر، سرود سرخ شکوفایی هزاره گل، نام نامی روحانی عجم،

جاری‌ترین قصیده جاوید خون، خطوط خطبه غرای خون، غریق خسته غرقاب، شهد شیرین شهادت و ...

صدای ضجه زنجیریان قلعه زجر سکوت سنگی مردان این دیار شکست

(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۷)

صدای ناله ناقوس مرگ می‌آید غروب خسته ز دنیای رنگ می‌گذرد

(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۸)

۳-۸-۴-۵- تکرار واکه و هم‌خوان پایانی

در این گونه تکرار، واژه‌های هم‌قافیه و یا دارای سجع متوازی در ساختار گروه اسمی قرار می‌گیرند؛ لهیب رود خورشید امید، نسیم خفته بستان خاموشان، بوی پایان زمان انتظار، خواب رنگین زمین، قصیده‌های خروشان آبخاران، صدای پای گل، شکوه کوب شب‌سوز روز، نوای نای بارانهای سبز، عروس پریهای روستای خیال، ژرفنای کوره سوزان نازیان، طنین نغمه‌های دلنشین و ...

در خواب رنگین زمین، میلاد نوری بر محور هستی، عبور کهکشانی

(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۲)

ای بسیط جنگل انبوه مه ای نوای نای باران‌های سبز

(همان: ۳۱۹)

۳-۸-۴-۶- تکرار کامل هجایی

این نوع تکرار در اصل، تکرار کامل سخت آوایی هجاست (روحانی و عنایتی، ۱۳۹۱: ۱۰۹)؛ مانند بوی شعر شاعران شهر گل، پای پیری این شیر بیشه، بوی پرچین‌های پرچین تمشک، سرچشمه زلال محال، پرچین گل چین چشم، خاک پاک شهیدان و ... از نظر موسیقی، بسیار ارزشمند است. در شعر مردانی بسامد

بوی پرچین‌های پرچین تمشک بوی کشت نوبهاران می‌دهی

(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۹)

تناسب‌های آوایی در شعر مردانی به موارد فوق محدود نمی‌شود. در بسیاری از گروه‌های اسمی وی، صامت پایانی واژه با صامت آغازین واژه بعد، یکسان است که از نظر موسیقی، دلنشین و اثرگذار است؛ آغاز پُررازِ ظهور کهکشان، افسانه خاک کهن، آن روح تابناک کداملین ستاره، دو شاخِ خونی این غول و

۳-۸-۵- اشکالات گروه‌های اسمی در اشعار مردانی

علاقه بیش از حد مردانی به ترکیب‌سازی، در کنار همه محاسن خویش، خالی از عیب نیست. «نخستین ایرادی که بر این کار وارد است، تکلف و تصنع حاکم بر آن است که غزل را از صمیمیت ساقط می‌کند ... دیگر اینکه این سخاوت در خرج کردن ترکیبات، سبب می‌شود که شاعر نتواند سنجیده عمل کند و دو سوی ترکیب ارتباط و هماهنگی لازم را با هم نداشته باشند» (ولیتی، ۱۳۹۱: ۱۹). مخاطب در انبوه ترکیب‌ها سرگردان و در نتیجه دلزده می‌شود و نمی‌تواند تصویر درست و روشنی در ذهن خود بسازد. از سوی دیگر، گاه شیرازه کار از دست شاعر خارج می‌شود و ناخواسته برای پرکردن وزن، ایجاد تناسب آوایی و ... واژه‌هایی را در ساختار گروه اسمی جای می‌دهد که حشو هستند.

در ترکیباتی مانند اشک دیده، لهیب گرم، طلوع مشرقی آفتاب، شاخ شکر بار نبات و ... یکی از واژه‌ها زاید است. دو سوی ترکیباتی مانند درخت تشنه گل، نسیم خون، انتهای افق‌های بسته، سرچشمه زلال محال، بیشه مغشوش نسیم، کربلای روشن خون، صدای سبز تو چون رود باد می‌جوشد و ... با یکدیگر هم‌خوانی ندارند. بی‌دقتی مردانی در ساخت ترکیب و هم‌نشینی آنها در کنار یکدیگر را می‌توان در بیت زیر آشکارا دید:

به جویبار افق‌ها روان، بلور سپید ز برکه‌های شفق سرکشد زبانه صبح

(مردانی، ۱۳۸۸، ص ۴۶۳)

بدیهی است که صبح از سرخی آفتاب هنگام طلوع (فلق) سر بر می‌آورد، نه از شفق.

۴- نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مطرح‌شده نتیجه می‌گیریم که از نظر تعداد، دفتر الماس آب، بیشترین تنوع و تعدد گروه اسمی را دارد و از دفترهای بعدی، بتدریج، از تعداد آنها کاسته می‌شود. درصد تعدد گروههای اسمی به تدریج سیر نزولی دارد؛ ولی اشعار مذهبی مردانی در دفتر چشمه شفا از این قاعده مستثنی هستند. بیشترین درصد تنوع ترکیبات، به اولین دفتر شعر مردانی یعنی «الماس آب» اختصاص دارد و دفتر «خون‌نامه خاک» کمترین درصد تنوع گروههای اسمی را دارد.

مردانی، تعداد ۴۳ گروه اسمی ۵ جزئی در بیست و شش نوع در اشعار خویش به کار برده است. نوزده گروه، فقط یک بار در اشعار او آمده است. گروه «ا، ص، صپ، ا، ص» (گلبانگ آسمانی آن روح سرمدی) بیشترین بسامد را در این بخش دارد. در دفترهای اولیه مردانی، اشعاری وجود دارد که هر مصراع آنها یک گروه اسمی است اما به تدریج این ویژگی کمرنگ می‌شود.

تعداد ۲۱۹ گروه اسمی ۴ جزئی در سی و سه گونه در اشعار مردانی وجود دارد که ده نوع از آنها فقط یک بار استفاده شده‌اند. در ساختمان این گروه‌ها صفتهای اشاری و عدد بیشتر از وابسته‌های دیگر به کار رفته‌اند. گروه «ا، ص، ا، ا» (عطر خوش گلشن سجاده) بیشترین بسامد را دارد.

گروه اسمی ۳ جزئی در سی و چهار گونه در مجموع اشعار مردانی به کار رفته که هجده گروه از آنها فقط یک بار آمده است. گروه «ا، ص، ا» (مرداب بی‌کرانه شب) با اختلاف بسیار، بیشترین کاربرد را در اشعار مردانی دارد. اعداد و صفات اشاری (این و

آن (بیشتر از وابسته‌های پیشین دیگر به کار رفته‌اند. دو نوع گروه اسمی سه جزئی، بدون وجود اسم، ساخته شده است.

مردانی از وابسته‌های پیشین استفاده دوگانه کرده است؛ مضاف‌الیه برای اسم پیش از خود و وابسته پیشین برای اسم پس از خود.

پیچیدگی گروه‌های اسمی در دوره‌های بعدی بیشتر شده است. ساخت گروه با حرف اضافه و پیشوند به تدریج در اشعار مردانی ظهور و گسترش می‌یابد. آغاز گروه اسمی با صفت بیانی و کسره اضافه یکی از ویژگیهای گروه‌های اسمی مردانی است. نه گروه با صفت بیانی همراه با کسره اضافه آغاز شده است.

آوردن صفت بیانی در ابتدای گروه اسمی با کسره اضافه، ساخت گروه اسمی بدون حضور اسم، به کار بردن ممیزهای خلاف قاعده و ایجاد تناسب‌های آوایی از مهم‌ترین هنجارگریزها و آشنایی‌زدایی‌های مردانی در زمینه ساخت گروه اسمی است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. احمدی، بابک (۱۳۸۸)، ساختار و تأویل متن، چاپ یازدهم، تهران: نشر مرکز.
۲. ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۱)، دستور زبان فارسی امروز، تهران: نشر قطره.
۳. انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی ۲، چاپ دوم، (ویرایش سوم)، تهران: انتشارات فاطمی.
۴. باطنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۸۲)، حماسه‌های همیشه، تهران: فرهنگ‌گستر.
۶. حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۹۰)، مقالات ادبی، زبان‌شناختی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نیلوفر.

۷. خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، چاپ دوازدهم، تبریز: انتشارات ستوده.
۸. سلدن، رامان؛ ویدوسون، پیتر (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
۹. شریعت، محمدجواد (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی، چاپ ششم، مشهد: اساطیر.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، رستاخیز کلمات، تهران: سخن.
۱۱. _____ (۱۳۸۵)، شاعر آینه‌ها، چاپ هفتم، تهران: انتشارات آگاه.
۱۲. صفوی، کورش (۱۳۷۳)، از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد دوم (شعر)، تهران: چشمه.
۱۳. _____ (۱۳۸۳)، از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد اول (نظم)، تهران، سوره مهر.
۱۴. _____ (۱۳۸۰)، گفتارهایی در زبان‌شناسی، تهران، انتشارات هرمس.
۱۵. علی‌پور، مصطفی (۱۳۹۰)، درباره زبان شعر، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
۱۶. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، دستور مفصل امروز، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
۱۷. _____ (۱۳۸۸)، دستور مختصر امروز، تهران: انتشارات سخن.
۱۸. کافی، غلامرضا (۱۳۸۱)، دستی بر آتش (شناخت شعر جنگ)، شیراز: نوید.
۱۹. مردانی، نصرالله (۱۳۸۸)، عشق می گوید ...، تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران.
۲۰. مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه اصل‌ها و عامل‌های ساختی و کمینه‌گری، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات توس.
۲۲. نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر (۱۳۷۲)، فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت، تهران: انتشارات کیهان.

۲۳. نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۳)، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نیلوفر.

۲۴. وحیدیان کامیار، تقی؛ غلامرضا عمرانی (۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی ۱، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.

ب) مقاله‌ها

۱. امین‌پور، قیصر (۱۳۶۳)، «نقدی بر کتاب «قیام نور»»، سوره، شماره ۹، صص ۱۴ - ۱۵.

۲. تارویردی‌نسب، محمّد؛ منیره پویای ایرانی؛ اسدالله واحد (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی و نقد آراء دستورنویسان درباره‌ی عناصر ساختمانی گروه اسمی در زبان فارسی»، ادبیات و زبان‌ها، علوم ادبی، پاییز و زمستان، شماره ۱۰، صص ۳۵ - ۵۷.

۳. رحمدل شرفشاهی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «معماری خیال در مجموعه آتش نی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۱، صص ۷۳-۹۴.

۴. روحانی، مسعود؛ محمّد عنایتی قادیکلایی (۱۳۹۱)، «تحلیل زیباشناختی ساختار آوایی شعر قیصر امین‌پور، مجله زبان و ادبیات فارسی، شماره ۷۳، پاییز، صص ۹۹-۱۲۸.

۵. سمائی، مهدی (۱۳۸۱)، «پردازش گروه اسمی»، علوم اطلاع‌رسانی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، دوره ۱۸، شماره ۱ و ۲، صص ۳۴-۴۱.

۶. شقاقی، ویدا (۱۳۸۱)، «کمی‌نماها در زبان فارسی»، مجله ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۳۵، شماره ۴-۳، (پی در پی ۱۳۹-۱۳۸)، صص ۶۲۱-۶۵۰.

۷. صحرایی، رضا (۱۳۸۹)، «گروه حرف تعریف در زبان فارسی»، فصل‌نامه زبان و ادب پارسی، شماره ۴۵، پاییز، صص ۱۲۹-۱۵۷.

۸. صدقی، حسین؛ امیرعلی عظیم‌زاده (۱۳۹۲)، «بررسی موسیقی و صور خیال در شعر جنگ نصرالله مردانی»، ادبیات پایداری، شماره ۹، پاییز و زمستان، صص ۱۸۷-۲۱۲.
۹. علیزاده، علی (۱۳۸۱)، «فرایند حرکت فاعل در جمله‌های زبان فارسی»، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره ۲۸ و ۲۹، بهار و تابستان، صص ۲۲۳-۲۵۴.
۱۰. قربان‌زاده، بهروز (۱۳۹۷)، «بررسی هنجارگریزی نوشتاری در اشعار سمیع قاسم بر اساس نظریه لیچ»، نقد ادب معاصر عربی، دانشگاه یزد، سال هشتم، صص ۸۵-۱۰۵.
۱۱. لبافان خوش، زهرا؛ علی ورزی (۱۳۹۰)، «بررسی سطح فرافکن وابسته‌های پسین هسته گروه اسمی فارسی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره پیاپی ۵، پاییز و زمستان، صص ۱۰۵-۱۲۱.
۱۲. مهدی‌پور، محمد (۱۳۸۴)، «نصرالله مردانی، شاعر حماسه و خون و استاد ترکیب‌آفرینی»، فلسفه و کلام، علامه، تابستان، شماره ۶، صص ۲۴۹-۲۷۰.
۱۳. ولیئی، قربان (۱۳۹۱)، «اشراق این همه کلمات»، روزنامه رسالت، شماره ۷۵۲۱، ۱۳۹۱/۱/۳۰، صفحه ۱۹.